



این فاجعه را،

طبقه کارگر هرگز از یاد نخواهد برد!

کشتر وحشیانه کارگران پروژه ذوب مس و مردم زحمتکش خاتون آباد شهر بابک، کارگران سراسرایران و همه نیروهای راکه به طرفداری از طبقه کارگر به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی برخاسته اند، عمیقاً جریحه دار ساخت. روز شنبه چهارم بهمن، کارگران ذوب مس میروک خاتون آباد، که به اخراج خود اعتراض داشتند و فقط خواهان ادامه کار و ضمانت شغلی خود شده بودند، مورد یورش ددمنشانه نیروهای سرکوب رژیم واقع شدند. مزدوران جنایتکار رژیم کارگران را بی رحمانه به رگبار مسلسل بستند که در اثر آن تعدادی از کارگران کشته و شمار زیادی زخمی و مصدوم شدند. با پخش خبر تیراندازی و کشته شدن کارگران، اعتراض کارگری عملاً به سراسر شهر بابک کشیده شد و مردم زحمتکش شهر بابک به حمایت از کارگران ذوب مس، به این اعتراض پیوستند. رژیم با استفاده از انواع تجهیزات نظامی و اعزام نیروهای گارد ویژه و ضد شورش شهر را به محاصره در آورد و معترضین را از همه سو به گلوله بست. این اقدامات جنایت کارانه، دست کم ۷ کشته و صدها زخمی برجای گذاشت. کارگران پروژه ذوب مس که شمار زیادی از آنان به صورت قراردادهای موقت کار می کنند، پیش از این نیز جهت احقاق حقوق خویش، همراه با همسران و فرزندان خود، بارها دست به تجمع و تحصن زده بودند، به نهادها و مراجع دولتی و قانونی مراجعه کرده بودند و خواستار دائمی شدن خود شده بودند، امانه فقط هیچکس و هیچ نهادی حاضر به شنیدن و پذیرفتن حرف کارگران نشد و به خواست کارگران ترتیب اثری نداد، برعکس نزدیک به پنج ششم از کل

صفحه ۲

در سالروز قیام و سیاهکل

مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی

و

برقراری حکومت شورایی را تشدید کنیم

۵

مبارزه طبقاتی و رهایی زن (۳۵)

زنان ۳ روبل و ۵۰ کپیک بود. این حداقل دستمزد برای کارگران غیر ماهر در کارخانه Ekaterinoslav برای مردان ۳ روبل و برای زنان ۲ روبل بود (سیدرون - ۱۹۵۷)

بلشویکها علیه این نابرابری دستمزد ها، مبارزه می کردند. کولنتای در سال ۱۹۱۵ به بلشویکها پیوست. وی در مقاله‌ای به نام "یک تفاوت اساسی" در روزنامه پراودا مورخ ۵ مه ۱۹۱۷، دستور جلسه آینده کنگره اتحادیه های کارگری را مورد نقد قرارداد و نوشت: "اختلاف اساسی در دستور جلسه کنفرانس است. مسئله پرداخت برابردرآزی کار برابر که یکی از مبرمترین مسائل طبقه کارگر به طور اعم و زنان کارگر به طور اخص است، به بحث گذارده نشده است چرا که جنگ، زنان رادر شمار زیادی به بازار کار وارد نموده و آنها تنها نان آور خانواده هستند. (کولنتای - منتخب آثار - ص ۱۲۵)

بعد از انقلاب اکتبر، دستمزد برابر زن و مرد قانونی شد. جنبه دیگری از نابرابری، همانند سال ۱۹۰۵، تعداد بسیار نازل نمایندگان زن در شوراهای بود. بارها و بارها در دمکراتیک ترین انتخابات تاریخ، زنان کارگر، مردان را به نمایندگی انتخاب کردند در ایالت مسکو، جایی که زنان، نیمی از جمعیت کارگران را تشکیل می دادند، از میان ۴۷۴۳ نماینده شوراهای در ۲۶ و ۲۷ مه ۱۹۱۷، تنها ۲۵۹ نفر زن بودند. در گروزی از مجموع ۱۷۰

صفحه ۳

در این شماره آخرین قسمت از فصل "مارکسیستهای روسیه" از کتاب مبارزه طبقاتی و رهایی زنان درج می شود.

**سنگینی بار قرن ها ستم را
نمی توان به سادگی از میان برد**

حتا انقلاب هم نتوانست پیشداوری های عمیقی را که طی نسل ها در ذهن مردان و زنان کارگر ایجاد شده است، از بین ببرد. همان طور که مارکس گفته است، "سنن تمام نسل های مرده مانند کابوسی بر مغز زندگان سنگینی می کنند."

به طور مثال دستمزد برابر را در نظر بگیرید. طی انقلاب ۱۹۰۵، خواست حداقل دستمزد، در اغلب موارد آشکارا باخواست دستمزد کمتر برای زنان همراه بود. (گی لیک من - صفحه ۱۸۱).

پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ نیز همین پیش فرض بر قراردادهای حاکم بود. در اولین قرارداد که در مورد حداقل دستمزد میان اتحادیه صاحبان کارخانه ها و شورای نمایندگان کارگران و سربازان بسته شد، حداقل دستمزد در دو سطح تعیین گردید. برای مردان روزانه ۵ روبل و برای زنان ۴ روبل در روز بود (کارخانه - خانواده و زنان در اتحاد شوروی - ۱۹۳۵ - صفحه ۸۰). در کارخانه کفش سازی Novesky، حداقل دستمزد برای مردان ۵ و برای زنان ۳ روبل بود. در کارخانه عظیم کفش سازی Skorekhed در پتروگراد، در ۱۳ مارس، حداقل دستمزدها برای مردان ۵ و برای

در این شماره

- ۵ خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان
- ۴ اخبار کارگری جهان
- ۲ اخباری از ایران

ورشکستگی را جار می زنند

صفحه ۸

بازداشت سیمون ترینیدا، انقلابی کلمبیایی در اکوادور!

صفحه ۸

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران معدن

۴۰۰ تن از کارگران معدن اسفندچه شهرستان بافت، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، از روز چهارم بهمن ماه در برابر استان داری کرمان، دست به تجمع زدند و روز بعد نیز به این تجمع اعتراضی ادامه دادند. بیش از ۸ ماه است که حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشده است. در عین حال اقلام غیر نقدی از سال ۷۷ به بعد نیز به کارگران داده نشده است. علاوه بر این ها کارگران، عیدی و پاداش سالیانه را نیز طلبکارند. از جمله دلایل دیگری که کارگران به خاطر آن دست به تجمع اعتراضی زده اند می توان از عدم صدور یا تمدید دفترچه های بیمه درمانی، قطع برق منازل سازمانی و فقدان لوازم ایمنی کار را نام برد.

* اعتصاب کارگران ابزار براق

کارگران کارخانه ابزار براق رامین، در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزها و سایر مطالبات خود، روز شنبه ۲۷ دی، برای سومین بار در عرض یک هفته، دست به اعتصاب زدند. این کارگران روز پنجشنبه و شنبه قبل از آن نیز برای پرداخت ۳ ماه دستمزدهای عقب افتاده خود دست به اعتصاب زده بودند. قابل ذکر است که بیش از ۴۰ ماه است که حق بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است و ۱۲۰ کارگر این کارخانه از این ناحیه نیز تحت فشارهای مضاعفی قرار گرفته اند.

* تجمع اعتراضی کارگران سامیکو صنعت

روز دوشنبه ۲۹ دی، کارگران شرکت سامیکو صنعت همدان، به نشانه اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش، در مسجد این شهر دست به تجمع زدند و خواستار حقوق های معوقه خود شدند. در این تجمع، نمایندگان سازمان صنایع، وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی، نیروهای انتظامی و مدیریت شرکت نیز حضور یافتند. وقتی که مدیریت شرکت عنوان کرد که حقوق کارگران را پرداخت کرده است، با اعتراض شدید کارگران مواجه گردید و نام برده مجبور به ترک محل گردید. گفتنی است که وضعیت بحرانی این شرکت با ۲۰۰ کارگر، از اواسط سال گذشته تشدید شده است و کارگران به بیمه بیکاری معرفی شده اند!

* نامه اعتراضی کارگران و کارکنان پتروشیمی آبادان

کارگران و کارکنان پتروشیمی آبادان، در ادامه اعتراضات پیوسته خود در دو ماه اخیر، با ارسال دو نامه سرگشاده، خطاب به استاندار خوزستان و وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، باردیگر نسبت به خصوصی سازی پتروشیمی آبادان

کارگران و زحمتکشانی را که به برای سرنگونی جمهوری اسلامی به پا خاسته -اند، از ادامه مبارزه بازدارد. تعرضات بی انتهایه سطح معیشت و حقوق کارگری همچنان ادامه دارد. با اجرای وسیع و گسترده خصوصی سازی ها و قراردادهای موقت، حقوق اولیه کارگران پایمال شده و امنیت شغلی آنها به صفر رسیده است. فقط در کارخانه ایران خود رو (ایران ناسیونال) که چند روز پیش، در اثر شدت فشار کار، شاهد مرگ یک کارگر دیگر آن در حین کار و شاهد اعتصاب کارگران بودیم، حدود ۵۸۰۰ کارگر (۲) با قرار داد موقت کار می کنند. در مجموع شمار این کارگران به حدود ۵۰۰ هزار نفر (۳) می رسد. این دسته از کارگران با واسطه شرکت های "پیمانکاری" یا "خدماتی" که (۴) شمار آنها با سرعت عجیبی افزایش یافته است، در اختیار کار فرمایان قرار می گیرند. کار این شرکت ها، که به شرکت های " آدم فروشی" معروف شده اند، شکار کارگر و اجاره دادن آن است تا طبق قراردادهای موقت برای سرمایه دار کار کند و دستش به هیچ جا بند نباشد. در پرتو سیاست ها و حمایت های بی دریغ دولت اسلامی، کار این گونه شرکت ها آنقدر رونق گرفته است که همین چند روز پیش، جمعی از ارادل و اوباش دست اندر کار این شرکت ها، مراسم دهمین سالگرد تاسیس "انجمن صنفی شرکت های خدماتی و پیمانکاری تامین نیروی انسانی" را در معیت محبوب دبیرکل خانه کارگر که اصل موجودیت این شرکت ها را تأیید و از " حسن نیت" این افراد نیز تعریف نمود برگزار کردند. این در حالیست که کارگران حق تشکل و تحزب ندارند، حق اعتراض و اعتصاب ندارند و اگر برای کار و ضمانت شغلی یا احقاق حقوق خود دست به اعتراض و مبارزه می زنند، توسط مزدوران سرمایه سرکوب و به گلوله بسته می شوند. معهذرا همان طور که تجربه هم نشان داده است با سرکوب و کشتار و ددمنشی، نمی توان انگیزه ها و عللی را که صدها هزار کارگر را در سراسر ایران جهت احقاق حقوق پایمال شده خویش به مبارزه کشانده است و به مبارزه می کشاند نابود ساخت و یا کارگران و زحمتکشان را از ادامه مبارزه برای تعیین تکلیف نهایی باکلیت رژیم ارتجاعی حاکم، بازداشت. دهها اقدام اعتراضی توده ای و دهها و صدها اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگری شاهد این مدعاست. هم اکنون علاوه برخواست های چون پرداخت به موقع دستمزدها، توقف خصوصی سازی ها، افزایش دستمزد و غیره، برچیده شدن قراردادهای موقت، استخدام رسمی و ضمانت شغلی، به خواست های اصلی بخش وسیعی از کارگران تبدیل شده است. در لحظه کنونی، این خواست ها می تواند بسیج کننده بخش عظیمی از کارگران باشد. صدها هزار کارگر موقت در سراسر ایران، می توانند حول این مطالبات مجتمع شوند و مبارزه مشتری را سازمان دهند. در عین حال همبستگی کارگران دائم و حمایت آنها از این دسته از کارگران برای پیشبرد یک پیکار مبارزاتی واحد حائز اهمیت

از صفحه ۱

این فاجعه را، طبقه کارگر... .

کارگران ذوب مس اخراج شدند (۱) جمهوری اسلامی با ارتکاب این جنایت و کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد، بار دیگر اراده حافظان نظم موجود به حراست از منافع سرمایه داران را به نمایش گذاشت و به عربیانی نشان داد که این رژیم برای مقابله با جنبش کارگری و برای مهار اعتراضات، مبارزات و اعتصابات رو به گسترش کارگری از هیچ جنایتی فروگذار نخواهد کرد. جمهوری اسلامی در عین حال پاسخ و راه حل خود را به صدها هزار کارگر دیگر در سراسر ایران که شرایط مشابهی دارند، یعنی کارگرانی که با قرارداد موقت به کار گرفته می شوند و از مزایای یک کارگر رسمی محروم اند، هر لحظه در معرض اخراج و بیکاری اند، هیچگونه ضمانت شغلی ندارند و دائماً در نگرانی و بی آیدگی به سر می برند، نشان داد و نشان داد که پاسخ اصلی رژیم به کارگرانی که در برابر زورگویی ها، بی حقوقی ها، اجحافات و سرکوب ها، به اعتراض برمی خیزند، زورگویی بیشتر، بی حقوقی و سرکوب بیشتر است. این بار دیگر نیرو های کور طبیعت و زمین لرزه نبود که فاجعه می آفرید و قربانی می گرفت- هرچند که جلو این گونه فجایع را نیز می توان گرفت و یا دست کم می توان با انجام اقدامات پیش گیرانه از دامنه تلفات و خسارات آن کاست- بلکه این بار مزدورانی امثال استان دار کرمان، روسای دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی، نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران و عناصر دیگر حکومتی امثال این ها بودند که از قبل، آگاهانه تصمیم گرفته بودند تجمع اعتراضی کارگران و مردم زحمتکش خاتون آباد و شهر بابک رابه هرقیمت درهم بکوبند و در دفاع و حراست از منافع سرمایه داران، صفوف کارگران را به رگبار گلوله ببندند تا نظم و امنیت سرمایه راتامین کنند. تصمیمات سران استان در خصوص ممانعت از بروز تجمع و در هم کوفتن اجتماع اعتراضی کارگران و زحمتکشان، سخنان استاندار کرمان مبنی بر اعزام نیرو های گارد ویژه جهت " تقویت توان نظامی" شهر بابک در مقابله با کارگران و زحمتکشان، و بالاخره اشاره این مزدور کثیف به این که نیروی انتظامی جهت شلیک و تیر اندازی به روی کارگران مجوز قانونی داشته و نیازی به مجوز شورای تامین استان نداشته است، تماماً حاکی از آن است که این مزدوران و همه نهادهای سرکوب دولتی، آگاهانه و در راستای تامین و حفظ منافع استثمارگران، بار دیگر دست به جنایت زده اند. کشتار وحشیانه کارگران ذوب مس خاتون آباد، باردیگر بر این حقیقت صحنه گذاشت که رژیم جمهوری اسلامی نه فقط خشن ترین و بی رحمانه ترین شرایط کار و استثمار را بر طبقه کارگر تحمیل نموده است، بلکه آماده است تا هر لحظه، با خشن ترین شیوه ها نیز اعتراض کارگری را به خاک و خون بکشد تا به خیال خود با سرکوب بیشتر و با وحشیگری بیشتر،

اخباری از ایران

اعتراض نموده و خواستار آن شدند که ارتباط اداری و استخدامی پرسنل پترو-شیمی آبادان با وزارت نفت برقرار گردد. در یکی از این نامه ها هشدار داده شده و اعلام شده است، چنانچه این خواست کارگران و کارکنان پتروشیمی متحقق نشود، آنان در روز ۶ بهمن دست به تجمع و تحصن خواهند زد و اقدام لازم را جهت احقاق حقوق خود به عمل خواهند آورد.

* صاحب کارخانه،

سالن تولید را تخریب کرد!

در ادامه واگذاری واحد های تولیدی شرکت الکتریک گیلان (رشت)، تولید کننده کلید و پریز نیز به بهاء بسیار پائینی فروخته شد. صاحب جدید شرکت که کارگران هنوز وی را نمی شناسند، در اولین اقدام خویش تعدادی از سالن های تولید را در غیاب کارگران تخریب نمود. این شرکت با ۲۰ سالن تولید و چندین هکتار زمین، بیش از ۶۰۰ کارگر دارد و در محدوده مرکزی شهر رشت واقع شده است. کارگران با حضور مستمر در محل کارخانه، از ادامه تخریب سالن های تولیدی جلوگیری نموده، برای از سرگیری تولید اعلام آمادگی نموده اند و خواستار ادامه کاری کارخانه اند.

* اخراج دسته جمعی کارگران بابکان

بیش از ۵ ماه است که دستمزد کارگران کارخانه نساجی بابکان در شهرستان آمل پرداخت نشده است. علاوه بر این، کارگران این کارخانه به طور دسته جمعی اخراج شده اند. در اعتراض به این اقدامات ضد کارگری، کارگران بارها دست به اعتراض زده اند و به مراکز مختلف دولتی مراجعه کرده اند، که تاکنون نتیجه ای دربر نداشته است. ۸۰۰ کارگر این کارخانه در حال حاضر بلا تکلیف و سرگردان اند.

* دستگاه تولید را،

مدیریت شبانه خارج کرد

مدیریت کارخانه نقش ایران در قزوین، روز ۲۶ دی ماه، حوالی نیمه شب به کارخانه مراجعه کرد و دو دستگاه بافندگی سالن تولید را از محل خارج ساخت. این درحالیست که به کارگران قول داده شده بود که کارخانه بعد از تغییر ساختار مجددا راه اندازی شود. در عین حال چندین ماه است که دستمزد کارگران این کارخانه پرداخت نشده است. این اقدامات، اعتراضات شدید کارگران را در پی داشته است.

* تجمعات اعتراضی پرسنل بیمارستان

نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارکنان بیمارستان تعطیل شده بهشتی در قم، روز هفتم بهمن ماه، در برابر دادگستری استان قم، دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان که خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود

مبارزه طبقاتی و رهایی زن (۳۵)

نماینده، ۴ زن، در نیژنی گروود از ۱۳۵ نماینده ۳ زن، در اودسا از ۹۰۰ نماینده، ۴۰ زن و در یاروسلاو از ۸۷ نماینده، ۵ نفر زن (سیدورف-جلد ۱-صفحات ۳۳۱-۳۱۶) بودند.

زنانی که پیشاهنگ انقلاب فوریه بودند، به حاشیه تاریخ رانده شدند. از همین روست که در کتاب تاریخ انقلاب روسیه نوشته ترتسکی، زنان تنها در چند فصل اولیه کتاب حضور دارند.

یکی از اولین اقدامات لنین پس از بازگشت به پتروگراد در ۱۹۱۷، این بود که از کمیته مرکزی خواست که از کار سیاسی در میان زنان حمایت کند: "مادام که زنان نقشی مستقل، نه تنها در زندگی سیاسی به طور کلی بلکه در خدومات روزانه که برای هر فردی الزامی است، نداشته باشند، صحبت از سوسیالیسم و حتا دمکراسی کامل و پایدار، گزافه گویی است." (انقلاب ۱۹۱۷-لنین-مجموعه آثار - جلد ۲۰-ص ۱۴۲)

کمیته اجرایی کمیته پتروگراد بلشویک ها، تلاش ویژه ای برای سازماندهی زنان به کاربرد. در ۱۰ مارس Vera Slutskaia مسئول تبلیغات در بین زنان کارگر شد. او سه روز پس از آن، پیشنهادش را مبنی بر ایجاد دائره زنان به عنوان بخشی از کمیته پتروگراد و همچنین احیای نشریه Rabotnitsa (زن کارگر) ارائه داد. هر کمیته ناحیه ای کمیته پتروگراد، موظف به معرفی یک نماینده به دائره زنان شد که وظیفه اصلی اش گام برداشتن در جهت انتشار مجدد Rabotnitsa و صدور اطلاعاتیه حول مسائل مشخص زنان پرولتر بود. Slutskaia تصریح نمود که "هیچ سازمان مستقلی به وجود نخواهد آمد."

زنان کارگر به طور عام در نهاد های طبقاتی و یا اتحادیه های کارگری متشکل خواهند شد. دائره زنان موظف به انجام کارهای تهیه جی در توافق کامل با تصمیمات کمیته پتروگراد بود. دوائر تبلیغی در کلیه بخش های حزب به وجود آمدند. همچنین کلوب های زنان با هدف جذب زنان کارگر، به فعالیت حزبی تشکیل شدند. در ۱۰ مه نشریه Rabotnitsa به طور هفتگی با تیراژ بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نسخه شروع به کار کرد. اعضاء تحریریه آن متشکل از کروپسکایا، الیزاروا، کولنتای، سامولوا نیکووا، کولی و لچینکا بود. این نشریه به موضوعاتی چون جنگ، ۸ ساعت کار روزانه، انتخابات دوما های محلی، کار کودکان، جنبش زنان در روسیه و خارج از آن، می پرداخت. (سیدورف-جلد یک-ص ۶۷-۵۷ و ۸۰)

هنگامی که بلشویک ها در اکتبر ۱۹۱۷ به قدرت رسیدند، مسئله درگیر کردن توده زنان غیر حزبی، ابعاد نوینی به خود

گرفت. مسئله اکنون این بود که چگونه باید میلیون ها زن را برای مشارکت در امر ساختمان سوسیالیسم بسیج نمود. پیروزی ها و شکست های آنان در فصول بعدی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

نتیجه گیری:

سرگذشت جنبش زنان روسیه به وضوح نشان می دهد که چگونه تشدید مبارزه طبقاتی، زنان را به دو قطب متخاصم بورژوازی و کارگر تقسیم می کند. هرچه پلاریزه شدن زنان قوی تر باشد، به همان میزان نیز پیوند بین زنان و مردان طبقه کارگر مستحکم تر می گردد. این نتیجه گیری برای بلشویک ها که در مخالفت شان با فمینیست های بورژوا سرسخت بودند، نقش محوری داشت.

در مقابل، منشویک ها که از ائتلاف سیاسی با لیبرال ها دفاع می کردند، طرفدار سازش بین زنان کارگر و بورژوا فمینیست ها بودند. بلشویک ها، دشواری سازماندهی در میان زنان کارگر را که قربانیان ستم دوگانه ی کارمزدی و بردگی خانگی اند، درک می کردند. نتیجه ای که بلشویک ها از آن گرفتند اساسا از نتیجه گیری فمینیست های جدایی طلب، متفاوت بود. بلشویک ها بر این اعتقاد بودند که زنان و مردان کارگر، هردو با همان کارفرمایان واحد دولت سرمایه داری واحد روبرو هستند. در محیط کار است که زنان می توانند بر انفعال، انفراد و جدایی از یکدیگر (که عمدتا ساختار خانوادگی جامعه ان را تحمیل کرده است) فائق آیند و اعتماد نفس لازم را برای اقدام جمعی به دست آورند. همچنین به مثابه کارگر، زنان نیازهایی دارند که با نیازهای مردان یکسان است. از همین رو هرگونه جدایی بین زنان کارگر و مردان کارگر به هر دو ضربه خواهد زد و بیش از مردان به زنان آسیب و زیان وارد خواهد آورد. همچنین از آن رو که نقش حزب رهبری مبارز طبقه کارگر است، ساختار حزب و از جمله هریک از سازمانهای آن که با زنان ارتباط دارند، باید با قواعد مبارزه کارگران انطباق داشته باشد و نه قواعد نمایندگی سیاسی جوامع بورژوایی. در این جا یک بار دیگر، محل کار، جایی که منافع زنان و مردان کارگر به هم جوش خورده است، نقطه ثقل می شود. دلیل قاطع صحت و درستی موضع بلشویک ها در مورد مسئله زنان همانا خود انقلاب بود. این زنان کارگر بودند که به همراه مردان، "فستیوال ستم دیدگان" را به راه انداختند و این انقلاب اکتبر بود که بزرگترین فصل رهایی زنان را گشود.

* جنبش زنان در انگلستان، موضوع قسمت بعدی خواهد بود.



اخبار کارگری جهان

* آمریکا:

اعتصاب کارگران ادامه دارد

اعتصاب بیش از ۷۰ هزار کارگر ۳ مجتمع فروشگاه‌های زنجیره‌ای در جنوب ایالت کالیفرنیا به چهارمین ماه خود نزدیک می‌شود. این اعتصاب در پی مخالفت همه جانبه سرمایه داران با پرداخت بخشی از هزینه های درمانی کارگران آغاز شد. کارگران از نخستین ساعات آغاز این حرکت بی سابقه در طول چند دهه اخیر، تلاش نمودند که حمایت و همبستگی دیگر کارگران را جلب کنند. چرا که مشخص بود موجودی صندوق اعتصاب کارگران نمی‌توانست پاسخ‌گوی هزینه این تعداد کارگر اعتصابی باشد. زمان طولانی نگذشته بود که سیل کمک‌های دیگر کارگران آمریکا به سوی اعتصابیون سرازیر شد و همین امر افزایش روحیه مبارزه‌جویی اعتصابیون را نیز به همراه داشت.

اما اکنون فشار اقتصادی هر روز بیش از روز پیش اعتصابیون را درمکنه قرار داده و ادامه مبارزه را با معضلات جدی مواجه می‌سازد. سرمایه داران نیز در این میان راه اخراج دسته جمعی کارگران را انتخاب کرده و به‌رغم مشکلات اقتصادی تصمیم دارند که به هر شکل ممکن این اعتصاب را به شکست بکشانند. با این همه مذاکرات بین نمایندگان کارفرما و اعتصابیون ادامه داشته، اما نتیجه مشخصی حاصل نشده است. به رغم فشار فقر و گرسنگی کارگران و خانواده‌های آنان، هنوز تعداد زیادی از اعتصابیون هر روزه در مقابل در ورودی هزاران فروشگاه تجمع کرده و از مردم می‌خواهند که تاگردن گذاشتن سرمایه داران به خواست کارگران، از این فروشگاهها خرید نکنند.

* ادامه اعتصاب در ایتالیا

موج اعتصاب در میان کارگران حمل و نقل شهری در ایتالیا اوج تازه‌ای گرفته‌است. دهها هزار راننده اتوبوس و قطارهای شهری از اوایل ماه ژانویه چند دور دست از کار کشیده و با مختل ساختن کامل حمل و نقل مسافران در شهرهای بزرگ ایتالیا، خواهان رسیدگی به‌خواسته‌های خود شدند. در سال ۲۰۰۱ مذاکرات مربوط به تجدید قرار دادهای دسته جمعی میان نمایندگان کارگران و مدیریت سازمان حمل و نقل شهری به بن بست رسید. کارگران در این دور از مذاکرات خواهان اضافه دستمزدی به میزان ۱۰۶ یورو بودند. در حالی که مدیریت تنها با ۴۱ یورو اضافه دستمزد موافق بود. با تشدید مبارزات کارگران و بن بست مذاکرات و نبود چشم انداز روشن برای حل اختلافات کارگران و کارفرما، سرانجام نمایندگان دو طرف راه حل را توافق بر سر یک قرارداد موقت دیده و براین اساس دستمزد کار-

گران تنها به میزان ۸۱ یورو افزایش یافت. اما مدت زمان زیادی لازم نبود تا کارگران در عمل ببینند که دستمزد-های آنان هیچ ربطی با سطح تورم افسار گسیخته این کشور نداشته و این افزایش دستمزدها هنوز کفاف هزینه‌های هر دم افزایش یابنده زندگی آنان را نمی‌کند. در همین رابطه روزهای ۹ و ۱۳ ژانویه هزاران راننده اتوبوس و قطارهای شهری کارها را تعطیل کرده و حمل و نقل میلیونها نفر را در شهر-های بزرگ و پرجمعیت ایتالیا به تعطیل کامل کشاندند. علاوه بر این روزهای ۸ و ۱۹ ژانویه نیز صد هانفر از کارگران و کارکنان خط هوایی Alitalia کارهای خود را به مدت ۸ ساعت تعطیل کردند. با این اعتصاب بیش از ۵۰۰ پرواز بین-المللی و ۸۰۰ پرواز داخلی متوقف شد و هزاران مسافر در فرودگاه شهرهای رم، میلان و چند شهر دیگر به انتظار پرواز ماندند. در این جا نیز خواست کارگران افزایش دستمزدها و توقف طرح اخراج بیش از ۲۷۰۰ نفر از کارگران این شرکت است. اعتصابیون اعلام کردند که مبارزات خود را تا تحقق مطالبات خود ادامه خواهند داد.

* اعتصاب فلزکاران آلمان

امسال، سال تجدید قراردادهای دسته جمعی میلیونها کارگردر آلمان است. در این میان مطالبات بیش از ۲/۵ میلیون کارگران فلزکار، شکل مبارزه آنها، میزان مقاومت سرمایه‌داران در مقابل خواسته‌های کارگران و سرانجام تحقق و یا عدم تحقق این مطالبات نقشی تعیین کننده برای دیگر بخش‌های طبقه کارگر آلمان در مبارزات آنها در راستای تحمیل مطالبات خود به سرمایه داران دارد. در همین راستا روز ۳۰ ژانویه اتحادیه فلزکاران آلمان IG Metall، اولین حرکت اعتراضی خود را آغاز نمود. طی این حرکت بیش از ۵۰ هزار نفر از کارگران منطقه صنعتی بادن-وورتمبرگ در چند کارخانه عظیم اتومبیل سازی دست به اعتصاب زدند. در این دور از مذاکرات، کارگران خواهان افزایش دستمزدهای به میزان ۴٪ بودند و در اولین دور مذاکرات پیشنهاد سرمایه داران مبنی بر افزایش دستمزدها در دو نوبت به میزان حداکثر ۲/۵٪ درصد را رد کردند. اعتصاب روز ۳۰ ژانویه تنها یک هشدار به سرمایه داران بود.

* اعتصاب کارگران در انگلستان

روز ۲۶ ژانویه بیش از ۵ هزار نفر از کارگران کارخانه اتومبیل سازی Land Rover واقع در شهر Solihull در انگلستان دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. بیش از ۱۱ هزار کارگر در چند کارخانه وابسته به شرکت Land Rover در نقاط مختلف مشغول بوده و در تمام این کارخانجات نیز دستمزد کارگران نزدیک به ۲۰٪ کمتر از کارگران دیگر کارخانجات اتومبیل سازی است. در همین رابطه هم بود که کارگران این بزرگترین کارخانه

Land Rover روز ۲۶ ژانویه دست به اعتصاب زدند و خواهان افزایش دستمزد-های به میزان ۷٪ شدند. در مقابل عزم جزم کارگران برای پیروزی، مدیران این کارخانه اعلام نمودند که به رغم دریافت دستمزدی کمتر از دیگر کارگران صنایع اتومبیل سازی این کشور، کارگران کارخانه Land Rover از مزایای رفاهی بهتری برخوردار هستند. در پاسخ به سرمایه داران و دروغ‌های آشکار آنان، کارگران هشدار دادند که در صورت تکرار این ادعاهای خلاف واقعیت، دست به یک اعتصاب نامحدود زد.

* اعتصاب عمومی در جمهوری دومینیکن

روز ۲۹ و ۳۰ ژانویه جمهوری دومینیکن یکسره به تعطیل کشانده شد. در این روزها دهها هزار نفر به فراخوان اتحادیه‌های کارگری و احزاب و سازمان‌های چپ و دمکراتیک پاسخ مثبت داده و دست به یک اعتصاب عمومی زدند. دولت این کشور در پی تشبثات خود در راستای کاربرد نسخه‌های موسسات مالی امپریالیستی نرخ برابری پول این کشور با دلار آمریکا را شناور کرده و با قطع سوبسیدهای دولتی، قیمت منابع انرژی نظیر برق و گاز نیز به شکل حیرت‌آوری افزایش یافته و به این ترتیب سهم بیشتری از دستمزد ناچیز کارگران و زحمتکشان به جیب دولت سرمایه داران سرازیر می‌شود. این اقدامات خشم توده‌ها را برانگیخته و روزهای ۲۹ و ۳۰ ژانویه خیابانهای شهرهای مختلف این کشور به صحنه فوران این خشم فروخورده کارگران و زحمتکشان تبدیل شد. در پاسخ به راه پیمایی و تجمعات اعتراضی در این روز، مأموران ارتش و پلیس به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند و در همان اولین ساعات آغاز این اعتصاب عمومی ۸ نفر هدف گلوله حافظان نظم نکبت بار سرمایه قرار گرفتند. در این میان ۳ نفر از رهبران کمیته‌های اقدام انقلابی توده‌ها، که در محلات فقر زده شهرها تشکیل شده بود، از اولین قربانیان ترور حساب شده مأموران امنیت این کشور بودند. این ۳ تن از خانه‌های خود به بیرون کشیده شده و در مقابل چشمان حیرت زده زنان و کودکان خود هدف گلوله مأموران امنیتی قرار گرفتند. نکته قابل توجه این که در اینجا نیز زمانی که دولت این کشور تحت فشار جنبش اعتراضی توده‌ها و ادار به اعلام خبر این ترورها شد، بلافاصله این اقدامات ضد انسانی را به "محافل خودسر" در ارگان‌های امنیتی نسبت داد و رئیس جمهور منفور این کشور در طی یک مصاحبه تلویزیونی وعده دستگیری هرچه سریع‌تر این عوامل را داد. ظاهراً جمهوری اسلامی در قتل مخالفان خود توسط "محافل خودسر" دستگاه‌های امنیتی تنهانبوده و دولت -های سرمایه داری در دیگر نقاط جهان نیز باین "معضل امنیتی!!" مواجه هستند. پاسخ این همه فریب و نیرنگ و کشتار، بدون شک چیز دیگری جز انقلاب کارگران و زحمتکشان و درهم شکستن تمام ماشین دولتی سرمایه داران نیست.

خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

«سرکوب وحشیانه کارگران خاتون آباد و مردم زحمتکش شهر بابک» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۵ انتشار یافت.

در این اطلاعیه گفته شده است، تعدادی از کارگران پروژه ذوب مس خاتون آباد که از مدت‌ها پیش در این پروژه مشغول به کار بوده‌اند، در اعتراض به اخراج، در محل کار خود تجمع می‌کنند و خواهان ادامه کار و استخدام می‌شوند.

خواست برحق کارگران بدون جواب می‌ماند. کارگران برای نشان دادن صدای اعتراض خود به همگان، جاده منتهی به محل کار رامسود می‌کنند. نیروهای گارد ویژه که برای سرکوب کارگران گسیل شده بودند، روز جمعه کارگران را به گلوله می‌بندند که در نتیجه این وحشی‌گری ۴ تن از کارگران به قتل می‌رسند و تعدادی نیز روانه بیمارستان می‌گردند. روز بعد مردم شهر بابک، در اعتراض به این کشتار دست به تظاهرات می‌زنند که باردیگر نیروهای سرکوب، مردم را به گلوله می‌بندند.

اخبار منتشره حاکی است که تا روز یکشنبه تعداد کشته‌ها به ۷ نفر رسیده و گروه کثیری از مردم در نتیجه اصابت گلوله روانه بیمارستان شده‌اند.

اطلاعیه سازمان، در پایان، این وحشی‌گری رژیم جمهوری اسلامی را علیه کارگران پروژه مس خاتون آباد و توده‌های زحمتکش مردم شهر بابک، محکوم کرده است.

تشکیلات خارج از کشور سازمان، با صدور اطلاعیه‌ای فراخوان یک تجمع اعتراضی، علیه حضورخاتمی در سوئیس را انتشار داد. در این فراخوان ضمن اعتراض به حضور رئیس حکومت ترور و وحشت اسلامی در سوئیس، به این مسئله اشاره شده است که دولت سوئیس با پذیرش خاتمی باردیگر نشان داد که دولت‌های سرمایه داری به رغم این که در گفتار از حقوق بشر و آزادی دم می‌زنند، اما در کردار حاضرند با سران خودکامه‌ترین و سرکوبگرترین حکومت‌ها برای تامین منافع اقتصادی خود دیدار و زدوبند کنند. فراخوان تشکیلات خارج کشور سازمان از تمام نیروهای چپ، کمونیست و آزادیخواه خواسته است که در یک تجمع اعتراضی و افشاگرانه شش ساعته در سوئیس شرکت کنند.

تشکیلات خارج کشور سازمان در اطلاعیه مطبوعاتی ۲۳ ژانویه ۲۰۰۴، اعلام نمود که این تجمع روز پنجشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۴ در مجاورت ایستگاه مرکزی زوریخ برگزار شد. شرکت کنندگان در تجمع زوریخ بادر دست داشتن پلاکاردها و تصاویری به افشای جمهوری اسلامی و جنایات آن پرداختند، و صدها نسخه اطلاعیه به زبان آلمانی پخش شد. در پایان این اطلاعیه مطبوعاتی گفته شده است که در این تجمع علاوه بر فعالان سازمان، تعدادی از پناهندگان سیاسی و ایرانیان مقیم زوریخ نیز شرکت داشتند.

کمک‌های مالی رسیده

آمریکا

۱۰۰ دلار

نیویورک

۱۰۰ دلار

دنور

۴۳ یورو

اتحاد انقلابی



در سالروز قیام و سیاهکل مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی را تشدید کنیم

کارگران و زحمتکشان! زنان و مردان ستمدیده ایران! روشنفکران انقلابی!

سی و سومین سالگرد حمله مسلحانه فدائیان خلق در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به پاسگاه سیاهکل، روز بنیانگذاری سازمان ما و پنجمین سالگرد قیام مسلحانه توده‌های زحمتکش مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سرنگونی رژیم سلطنتی، در حالی فرارسیده است، که رژیم ستمگر و ارتجاعی جمهوری اسلامی، با یکی از وخیم‌ترین بحران‌های دوران حیات خود روبروست.

ازهم گسیختگی درونی هیئت حاکمه به مرحله‌ای رسیده است که ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی به مقابله با یکدیگر برخاسته و شکاف در این دستگاه عمیق‌تر شده است.

یک جناح از هیئت حاکمه که براین پندار است با در دست گرفتن تمام ارگان‌ها و نهادهای دستگاه دولتی می‌تواند براین بحران غلبه کند، در تلاش برای کنار نهادن جناح دیگر برآمده است. شورای نگهبان، این نهاد ارتجاعی وابسته به جناح خامنه‌ای، ازهم اکنون در تلاش است راه طرفداران جناح رقیب را به مجلس ارتجاع سد کند. نمایندگان مجلس رژیم در مجلس ارتجاع نیز برای مقابله با شورای نگهبان، به بست نشینی و اعتصاب روی آورده‌اند. وزراء، مدیران و کارگزاران دستگاه اجرایی، تهدید به استعفا می‌کنند، تا جناح رقیب را به عقب نشینی وادار نمایند. دستگاه قضایی رژیم، هشدارهای تهدید آمیز صادر می‌کند. سران قوای سه گانه، پی در پی جلسه تشکیل می‌دهند تا راهی برای خروج از بحران پیدا کنند.

سرانجام این که آنها در نهایت می‌توانند با ساخت و پخت درونی خود، تنها بربحران حکومت سرپوش بگذارند، اما نمی‌توانند بحران را حل کنند، چرا که این بحران در درون هیئت حاکمه و تمام دستگاه دولتی، خود انعکاسی از بحران سیاسی عمیق تری است که تمام جامعه ایران را فراگرفته است.

این بحران سیاسی، محصول تضادهای انباشته شده در جامعه ایران، مطالبات و خواست‌های متحقق نشده مردم، و نیاز جامعه به تحولاتی است که انقلاب توده‌های زحمتکش مردم ایران در ۲۵ سال پیش، می‌بایستی راه را بر آنها بگشاید. اما این انقلاب توسط سرمایه داران و ارتجاع اسلامی، درهم شکسته شد. جمهوری اسلامی رسالتی جز این نداشت که با سرکوب و کشتار و اختناق، انقلاب توده‌های مردم ایران را درهم بکوبد. لذا بدیهی بود که این بحران سیاسی باردیگر در ابعادی وسیع‌تر سربلند کند.

بیان آشکار این بحران، رشد روز افزون ناراضی‌ها و اعتراض توده‌ای و اعتلاء مداوم مبارزات علنی و مستقیم توده‌های زحمتکش مردم ایران علیه رژیم حاکم بر ایران است.

مبارزات علنی کارگران و زحمتکشان، تهیستان، زنان و جوانان در ابعادی به وسعت سراسر ایران در جریان است. رژیم ارتجاعی و ضد انسانی جمهوری اسلامی برای مهار این مبارزات، تاکنون به مانورها و تاکتیک‌های متعددی متوسل شده است. اما همه آنها از سرکوب و کشتارهای وحشیانه گرفته تا تاکتیک به اصطلاح اصلاح طلبی با شکست روبرو شده‌اند.

این حقیقت از مدت‌ها پیش آشکار شده است که توده‌های مردم ایران دیگر نمی‌خواهند رژیمی را که در طول حیات ننگین ۲۵ ساله‌اش جز بی‌حقوقی، اختناق، کشتار، فقر و گرسنگی شمری نداشته است تحمل کنند.

سیاست سرکوب و کشتار هم دیگر قادر نیست، مردمی را که به مبارزه تا پای جان برای برانداختن رژیم ستمگر حاکم به پا خاسته‌اند، مرعوب کند. در این چند سال اخیر، هر سرکوب و کشتار رژیم، به تشدید و گسترش مبارزه انجامیده است. بدیهی است که رژیم برای بقا، حیات ننگین خود، به وحشی‌گری و سرکوب ادامه دهد. مردمی را که در شهرهای تظاهرات و اعتراض برمی‌خیزند، به گلوله می‌بندند. کارگران خاتون‌آباد را که اعتراض‌شان به بیکاری، فقر و گرسنگی است، کشتار کند، اما این وحشی‌گری و سرکوب‌ها نیز قادر به نجات رژیم از سرنگونی نیست.

مردم ستمدیده ایران!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، پوسیده‌تر از آن است که بتواند در برابر مبارزه متشکل و سراسری شما، قدرت ایستادگی داشته باشد. تجربیات دوران انقلاب و قیام سال ۱۳۵۷ را به کار بگیرید. به حربه اعتصابات عمومی و سیاسی روی آورید. مبارزات پراکنده خود را به یک مبارزه سراسری تبدیل کنید. تجربه انقلاب سال ۱۳۵۷، نقش و اهمیت یک اعتصاب عمومی سیاسی را که سازماندهی اصلی آن بردوش طبقه کارگر ایران است، به همگان نشان داد. یک چنین اعتصابی می‌تواند، رژیم و تمام ارگان‌های آن را به کلی فلج کند، ورشکستگی آن را به نهایت برساند و شرایط لازم را برای روی آوردن به قیام مسلحانه و پایان دادن به حیات ننگین رژیم جمهوری اسلامی فراهم‌سازد. تجربه شکست انقلاب، این واقعیت را هم نشان داد که اگر توده‌های کارگر و زحمتکشی که به انقلاب و قیام روی می‌آورند، خودشان، قدرت سیاسی را در دست نگیرند و به وعده‌ها و وعیدهای طبقات غیرکارگر اعتماد کنند و قدرت سیاسی را به دست آنها بسپارند، انقلاب با شکست و نابودی روبرو خواهد شد. لذا برای پیروزی انقلاب و تحقق خواست‌های توده‌های مردم ایران، ضروری است که کارگران و زحمتکشان ایران یک حکومت شورایی در ایران برپا سازند و از طریق شوراها به اعمال حاکمیت بپردازند.

سازمان ما که اکنون سی و سه سال از حیات پرافتخار خود را پشت سر می‌گذارد و در طول تمام این سال‌ها با استواری و پیگیری در راه آزادی و سوسیالیسم پیشکار کرده است، وظیفه خود می‌داند که همچنان محکم و استوار به این خط مشی انقلابی خود ادامه دهد.

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر و از موضع این طبقه، مدافع منافع توده‌های زحمتکش و ستمدیده است، در سالگرد قیام و سیاهکل، کارگران و زحمتکشان ایران را به تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک حکومت شورایی فرامی‌خواند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی — برقرارباد حکومت شورایی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت) — بهمن ماه ۱۳۸۲

کار — نان — آزادی — حکومت شورایی

این فاجعه را، طبقه کارگر... .

بسیار زیادی است. بدون اتحاد و همبستگی کارگری، رژیم ارتجاعی حاکم قادر است مبارزات و اعتراضات منفرد و پراکنده را سرکوب کند. کارگران فقط با اتحاد و همبستگی و مبارزات یکپارچه خود قادرند در برابر ددمنشی‌ها بایستند و خواسته‌های خود را برکارفرمایان تحمیل کنند. محکوم ساختن کشتار کارگران ذوب مس، ابراز حمایت و همبستگی با کارگران ذوب مس و مردم زحمتکش خاتون‌آباد، از سوی سایرکارگران از جمله کارگران خیابان کردستان، کارگران معادن سنگ‌آهک بافق و کارگران ایران خود رو، نمونه‌هایی از یک همبستگی کارگری است. اما این هنوز کافی نیست. به این حمایت‌ها و ابراز همبستگی که هنوز ادامه دارد باید دامن زد و به آن تعمیق بخشید. کارگران درهر کارخانه باید خود را متشکل سازند و مستقل از ارگان‌های وابسته و منفور مثل خانه کارگر و شوراهای اسلامی که برای کارگران ذوب مس خاتون‌آباد اشک تماش می‌ریزند و در همان حال دارند اسباب گرم کردن تنور انتخابات قلبی را فراهم می‌کنند تا مشت‌های مرتجع ضد کارگر دیگر را به مجلس ارتجاع بفرستند، تشکل‌های مستقل خود را برپا دارند. با ایجاد کمیته‌های مخفی کارخانه و کمیته‌های اعتصاب، مبارزات خود را علیه کارفرمایان و علیه دولت گسترش دهند. با ایجاد پیوند و ارتباط میان این کمیته‌ها، باید به استقبال اعتصابات گسترده تری رفت و با گسترش اعتصابات کارگری و اعتصاب عمومی سراسری گام‌های دیگری به جلو برداشت و زمینه قیام و سرنگونی این رژیم ددمنش و ضد کارگر را فراهم ساخت. جمهوری اسلامی چه بخواهد و چه نخواهد، کارگران و زحمتکشان ایران در این راه، گام نهاده‌اند و باید مطمئن‌باشد که سرکوب و کشتار کارگران ذوب مس و مردم زحمتکش خاتون‌آباد، و شهر بابک نخواهد توانست آنان را که به مبارزه‌ای تا پای جان برای براندازی رژیم ارتجاعی حاکم برخاسته‌اند، از ادامه مبارزه باز دارد. هرچند با کشتار وحشیانه کارگران ذوب مس خاتون‌آباد شهربابک، جراحات عمیقی بر پیکر طبقه کارگر نشست و طبقه کارگر ایران این وحشی‌گری را هرگز از یاد نخواهد برد، اما درعین حال شایان تاکید است که این وحشی‌گری، اراده این طبقه را به براندازی رژیم جمهوری اسلامی و جارو کردن نظم موجود راسختر خواهد ساخت.

زیر نویس‌ها:

- ۱- استاندار کرمان: "در پروژه ذوب مس خاتون‌آباد ۱۵۰۰ نفر کار می‌کردند که در دوران بهره‌برداری باید ۱۲۰۰ نفر از پرسنل ترخیص می‌شدند. در این دوران، پروژه فقط به ۲۵۰ کارگر نیاز دارد."
- ۲- سایت خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۸۲/۱۱/۱
- ۳- ایلنا از قول صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار، خبرداد که درحال حاضر فقط سه هزار شرکت خدماتی یا پیمانکاری بدون مجوز وجود دارد.

آکسیون اعتراضی در استکهلم

دراعتراض به کشتار کارگران پروژه ذوب مس خاتون‌آباد شهر بابک، و در دفاع از مطالبات کارگران، روز شنبه ۳۱ ژانویه آکسیونی توسط واحد استکهلم اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ، برگزارگردید. به دعوت اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ- سوئد، جمعی از ایرانیان مبارزه این شهر، در میدان مرکزی استکهلم دست به تجمع زدند. شرکت کنندگان در این اقدام اعتراضی، ضمن تشریح اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، و توزیع اطلاعاتی به زبان‌های سوئدی و فارسی، به سمت سفارت جمهوری اسلامی دست‌به‌راه‌پیمایی زدند و سپس با تجمع در برابر سفارت، شعارهایی علیه رژیم و درافشاء جنایات آن و نیز شعارهایی در دفاع از کارگران و مبارزات کارگری سر دادند. "قتل عام کارگران را محکوم کنید"، "از جنبش کارگری پشتیبانی کنید"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، از جمله این شعارها بود.

ازصفحه ۸

ورشکستگی را جار می‌زنند

تشدید خواهد نمود. این تشدید تضاد به معنای تشدید شکاف در درون هیئت حاکمه و تمامیت دستگاه دولتی ست. نتیجتاً بحران حکومتی عمیق تر و ناتوانی آن در مهار بحران بیشتر خواهد شد. در عین حال، این تعمیق بحران منجر به جدایی گروه‌هایی از هیئت حاکمه و پیوستن آنها به بورژوازی اپوزیسیون خواهد شد. این به معنای تضعیف بیشتر رژیم، محدود تر شدن پایه طبقاتی آن و از دست دادن گروهی دیگر از طرفداران خود در دستگاه دولتی خواهد بود مهم‌ترین تحول اما در مبارزات توده‌های مردم رخ خواهد داد. تمام فاکتورها و واقعیت‌های موجود نشان می‌دهند که توده‌های کارگر و زحمتکش به خوبی دریافته‌اند که راه دیگری جز اقدام مستقل و انقلابی برای دگرگونی وضع موجود نیست. رشد روزافزون مبارزات توده‌ای و بی‌اعتنایی توده مردم نسبت به منازعات دو جناح هیئت حاکمه که نشان می‌دهد، آنها حتی ذره‌ای توهم به این یا آن جناح و بهبود اوضاع در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی ندارند، به خوبی این واقعیت را بازتاب می‌دهند. گسترش مبارزات، اعتلاء جنبش و روی آوری توده‌ها به اشکال عالی‌تری از مبارزه، چشم‌انداز روند تحول اوضاع سیاسی در ایران است. فاصله چندانی تا انقلاب باقی نمانده است.

ازصفحه ۲ اخباری از ایران

بودند، از سوی نیروهای انتظامی مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفتند. با این وجود، آنها در ادامه اعتراضات خود، صبح روز بعد (هشتم بهمن) نیز در برابر صدا و سیمای مرکز استان قم دست به تجمع زدند. لازم به ذکر است که مبلغ یک میلیارد تومان، از طریق نهاد ریاست جمهوری به حساب دانشکده علوم پزشکی قم واریز شده که توسط دادگستری توقیف شده است. کارکنان معترض، اظهار می‌دارند که این مبلغ مختص مطالبات معوقه پرسنل است و نباید صرف سایر بدهی‌های بیمارستان گردد. اعتراض‌کنندگان هشدار دادند تارسیدن به خواست خود، به تجمعات اعتراضی ادامه خواهند داد.

* اعتصاب معلمان شیراز

معلمان شیراز در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خویش، روزهای ۴ تا ۶ بهمن از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کردند. به دنبال اعتصاب معلمان در ۱۸۸ واحد آموزشی، بسیاری از دانش‌آموزان نیز به این اقدام پیوستند و از فرهنگیان و مطالبات آنها حمایت کردند.

* ابراز همبستگی با کارگران ذوب مس خاتون‌آباد

جمع زیادی از کارگران شرکت معادن سنگ‌آهک مرکزی ایران بافق، ضمن حمایت از مطالبات کارگران ذوب مس خاتون‌آباد شهر بابک و ابراز همدردی با بازماندگان کارگرانی که به دست مزدوران به رگبار مسلسل بسته شدند، چنین هشدار دادند که سازمان توسعه و نوسازی ایران قصد دارد با واگذاری شرکت معادن سنگ‌آهک مرکزی بافق به بخش خصوصی، چنین حوادثی را نیز در این واحد تکرار نماید. - هم چنین جمعی از کارگران خیابان شهرستان سقز، ضمن ابراز همبستگی با کارگران مجتمع مس خاتون‌آباد شهر بابک، این کشتار وحشیانه را محکوم کردند و خواستار محاکمه مسبب آن شدند. - کارگران شرکت ایران خود رو نیز، ضمن ابراز همبستگی با کارگران ذوب مس خاتون‌آباد، کشتار کارگران را قویاً محکوم کردند. این کارگران در اطلاعیه‌ای از جمله چنین نوشته‌اند: "حامیان سرمایه داران، کارگران را به گلوله بستند، روز جمعه در ماه بهمن، در ماه خون و قیام، حامیان سرمایه، کارگران بی دفاع خاتون‌آباد شهر بابک را که چیزی غیر از کار و امنیت شغلی نمی‌خواستند، وحشیانه آماج گلوله‌های خود قرار دادند و تعدادی از کارگران زحمتکش را کشته و عده زیادی از مردم را به خاک و خود کشیدند. ماکارگران ایران خود رو، ضمن محکوم کردن حمله وحشیانه به کارگران، از خواسته‌های به حق کارگران مس خاتون‌آباد پشتیبانی کرده و از تمام سازمان‌های حقوق بشر به خصوص سازمان‌های کارگری می‌خواهیم که ضمن محکومیت کشتار کارگران بی دفاع، به هر طریق ممکن به یاری آنان بشتابند."

بازداشت سیمون ترینیدا، انقلابی کلمبیایی در اکوادور!

زیرا در مارس سال ۲۰۰۰ کمیسریون امنیت قاره ای دولت های آمریکایی گزارشی را منتشر کرد که بر طبق آن سرویس های اطلاعاتی آمریکایی مرکزی و جنوبی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی به همکاری های تنگاتنگ خود ادامه داده اند. براساس گزارش مذکور همکاری های یاد شده برای "مبارزه با مواد مخدر" بوده و می دانیم که آمریکا و هم پیمانانش به نام مبارزه با مواد مخدر "طرح کلمبیا" راریخته اند، طرحی که خواهان نابودی کامل ۲۴۰۰۰ نفر نیروی مسلح انقلابی کلمبیا است. اما تاکنون به دلیل حمایت های گسترده و انکار ناپذیر توده ای از چریک های فارک ناموفق بوده است. کارشناسان نظامی گفته اند که اگر ایالات متحده آمریکا بخواهد نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا را نابود کند چاره ای به جز استفاده از کلیه نیروهای ارتش خود ندارد. پس از دستگیری ریکاردو پالمر، رئیس جمهور راست افراطی کلمبیا، الوارو-نوریبه، به فارک پیشنهاد کرد که تمام نیروهای خود را تسلیم کند. نوریبه که در اوت ۲۰۰۲ ریاست قوه ی مجریه کلمبیا را به عهده گرفت سوگند یاد کرد که فارک را "نابود" نماید. نوریبه پیش از ریاست جمهوری در مذاکرات صلحی که به پیشنهاد فارک انجام شد، شرکت کرد و نقش مهمی در ناکامی آن ها داشت. مذاکرات مذکور از ژانویه ۱۹۹۹ آغاز و تا فوریه ۲۰۰۲ ادامه پیدا کردند. ریکاردو پالمر به نیابت از سوی فارک خواهان مبادله زندانیان جنگی تشکیل خود با زندانیان سیاسی محبوس در سایه چال های حکومت کلمبیا بود. فارک ۲۱ سیاستمدار، ۵۰ افسر ارتش کلمبیا و نزدیک به ۸۰۰ نفر دیگر را در اختیار خود دارد و به حکومت کلمبیا پیشنهاد می کند که آنان را با ۴۰۰ چریک زندانی معاوضه نماید. یکی از سیاستمداران که فارک دستگیر کرده است زنی ست به نام اینگرید بتانکور که از سوی حزب سبزهای کلمبیا نماینده پارلمان بود. بتانکور دارای تابعیت کلمبیایی و فرانسوی ست و همسر سابقش از دیپلمات های عالی رتبه وزارت امور خارجه فرانسه است. روز ۹ ژوئیه ۲۰۰۳ یک هواپیمای نظامی غول پیکر فرانسوی مخفیانه در شهر برزیلی مانانوس فرود آمد و قصد این بود که نظامیان فرانسوی برای آزاد سازی اینگرید بتانکور اقدام کنند، اما این طرح مفتضحانه شکست خورد و هواپیمای مذکور ۴ روز بعد فرودگاه را ترک کرد. وزیر امور خارجه فرانسه سپس مدعی شد که هواپیمای هرکولس سی. ۱۳۰ به دلایل "انسان دوستانه" به برزیل فرستاده شده بود. استرید بتانکور، خواهر اینگرید این گفته آقای وزیر امور خارجه فرانسه را تأیید کرد، اما

افزود که اقدام انسان دوستانه شامل عملیات نظامی مخفیانه برای رها ساختن زندانیان جنگی فارک و از جمله خواهر وی بوده است! ریکاردو پالمر دیر هنگام به مبارزه انقلابی پیوست. وی در خانواده ای متمول در سواحل کارائیب کلمبیا متولد شد. او در یکی از دانشگاه های معروف و ویژه ثروتمندان بوگوتا به تحصیل پرداخت و از آن جا برای ادامه تحصیل به هاروارد در آمریکا رفت. پس از بازگشت به کشورش در بانکی به نام Banco de Comercio (بانک تجارت) در شهر محل تولدش، بایه دوپار، مشغول به کار شد و به سرعت رئیس منطقه ای این بانک گردید. پالمر پیش از دستگیری در یک مصاحبه به مزاح گفته بود: "من نظم سرمایه داری را می شناسم. من از درون به آن عمل می کردم." پس از چند تماس گهگاهی با فارک، ریکاردو پالمر تصمیم گرفت تا کت و شلوار و کراوات هایش را فراموش کرده و لباس پلنگی چریک های نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا را به تن کند و به جای عمل به دکتربین های هاروارد کتاب های مارکس را بخواند. یک اعتصاب عمومی در سال ۱۹۸۷ پالمر را به این سمت هدایت کرد، هنگامی که وی ۳۷ سال داشت. ریکاردو پالمر دست خالی به صفوف فارک نپیوست، وی هرچه در صندوق بانکی که کار می کرد وجود داشت با خود برد و آن را به فارک داد و نام مستعار سیمون ترینیدا را برگزید. نام سیمون را به احترام سیمون بولیوار، رهبر مبارزات ضد استعماری آمریکای جنوبی در سده ۱۹ میلادی انتخاب نمود. هنگامی که پالمر به صفوف فارک پیوست و مقامات حکومتی کلمبیا از آن آگاه گردیدند، سخت نگران شدند. زیرا این مقامات می دانستند که پالمر از جزئیات حساب های بانکی قدرتمندان منطقه خود آگاه است و آن ها را در اختیار فارک خواهد گذاشت. پالمر پس از پیوستن به فارک نیز به سرعت مدارج تشکیلاتی را طی کرد و به طوری که گفته می شود وی چهارمین فرد رهبری فارک شده بود. ریکاردو پالمر تحصیلات دانشگاهی و توانایی سخنوری خود را کاملاً در اختیار فارک گذاشت، به طوری که این نیروها را در سال ۱۹۹۹ برای مذاکرات با حکومت به منطقه "غیرنظامی شده" فرستادند، منطقه ای که به وسعت کشور سوئیس است و کاملاً در اختیار فارک می باشد. پالمر با چهار تن دیگر از سوی فارک در این مذاکرات شرکت کرد. پالمر، این مرد قوی هیکل، باسبیل، سر بی مو و مسلسل کلاشینکوف اش جزو رادیکال ترین سخن گوینان فارک محسوب می شود. او در مصاحبه های گوناگون با خبرنگاران مختلف یک لحظه از محکوم نمودن امپریالیسم

و سرمایه داری غافل نشد. هرچند که پالمر یکی از اعضای برجسته فارک است، اما یک فرمانده نظامی مهم آنها نیست. رائل رئیس، سخنگوی دبیر خانه فارک در اینترنت گفته است: "پالمر یک چریک دقیق و مسئول است."

اطلاعیه نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا در مورد دستگیری ریکاردو پالمر

۱- دستگیری فرمانده سیمون ترینیدا روز ۲ ژانویه گذشته در کیوتو، پایتخت اکوادور به مأموریت مخفیانه ای که دبیرخانه فارک به وی داده بود، پایان می دهد. بر طبق این مأموریت ترینیدا می بایستی یک مکان خوب برای تشکیل اجلاس با دبیر کل سازمان ملل متحد، کوفی عنان، و جیمز لوموین پیدا می کرد. (جیمز لوموین فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به کلمبیا است.) در این اجلاس همچنین قرار بود بانمایندگان دولت فرانسه مذاکره می شد تا یک راه حل قطعی برای پایان دادن زندانی بودن اینگرید بتانکور و دیگر زندانیان جنگی جستجو می شد و پرسر یک مبادله انسان دوستانه گفتگو می گشت. ۲- اقدام سرویس های امنیتی ایالات متحده و کلمبیا برای این دستگیری سوای این که دهن کجی به اقتدار اکوادور است، نشان می دهد که اتحادی ننگین بین رئیس جمهور اکوادور، لوسیون گوتیرز و رئیس جمهور فاشیست کلمبیا، الوارو نوریبه و کاخ سفید در چارچوب طرح کلمبیا وجود دارد. این وحدت علیه رهبران انقلابی اکوادور و کلمبیا عمل می کند. البته دو حکومت اکوادور و کلمبیا که زیر سلطه واشینگتن عمل می کنند، به هیچ عنوان نخواهند توانست روابط تاریخی و بولیواری دولت برادر کلمبیا و اکوادور را خدشه دار کنند.

۳- سیمون ترینیدا یکی از مهم ترین کادرهای سیاسی فارک است. وی در طی مذاکرات صلحی که دو سال پیش معلق شد توانست با روشی معتبر در کمیسیون موضوعی و سپس پشت میز مذاکرات اقدام نماید. ۴- ما، مردم جهان، سازمان های سیاسی و اجتماعی آنان، بولیوارهای قاره آمریکا و دولت های دمکراتیک را به همبستگی با مبارزات برحق مردم کلمبیا فرامی خوانیم که دخالت مردم فزاینده ایالات متحده آمریکا را در امور کشور خود نمی پذیرند. ما آنان را به همبستگی با تمام زندانیان سیاسی کلمبیا دعوت می کنیم و به آنان می گوئیم که از نوریبه بخواهید که بیش از این که در امضای قرارداد یک مبادله انسان دوستانه زندانیان جنگی ما با زندانیان سیاسی حکومت اخلال نکند. بدیهی ست که ما موافقیم که چنین مبادله ای صورت بگیرد و روشن است که اکنون یک نام دیگر به لیست زندانیان سیاسی افزوده شده است: نام سیمون ترینیدا. دبیرخانه ستاد فرماندهی مرکزی فارک کوه های کلمبیا- ۱۳ ژانویه ۲۰۰۴

ورشکستگی را جار می‌زند

در پی چند هفته کشمکش و مناظره میان دوجناح هیئت حاکمه برسر ترکیب دوره آتی مجلس ارتجاع اسلامی، سرانجام، روز ۱۲ بهمن، ۱۲۵ تن از نمایندگان حکومت اسلامی در مجلس ششم، استعفاي خود را رسماً اعلام نمودند.

اینان که در طول ۴ سال گذشته تلاش نمودند به نام "اصلاحات" و "اصلاح طلبی" توده های مردم را فریب دهند و با وعده امکان تحقق مطالبات مردم در چارچوب نظام اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود، آنها را از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و روی آوری به انقلاب برحذر دارند، اکنون با رسوایی تمام صحنه را ترک می‌گویند.

چه رسوایی بالاتر از این که حتی بست نشینی واعتصاب واستعفاي دستجمعی با بی اعتنائی تام و تمام توده مردم روبرو گردد. این یک رسوایی تنها برای یک جناح از حکومت نبود، بلکه رسوایی تمام رژیم و همه کسانیست که با وجود حکومت اسلامی، اصلاحات و تحقق خواسته های مردم را ممکن می‌دانستند. طبیعتاً آن چه که در این چند هفته اخیر گذشت و نمایندگان خود رژیم در مجلس ارتجاع نیز با استعفاي خویش، رسوایی و ورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی را جار زدند، نتایج فوری و غیرقابل انکاری بر روند تحول اوضاع سیاسی برجای خواهد نهاد.

مستثنی از این که تحول اوضاع، به رژیم جمهوری اسلامی امکان بدهد که مجلس ارتجاع اسلامی را دائر نگهدارد یا نه، این مجلس حتی از جهت صوری و ظاهری قضیه نیز تعطیل و منحل شده است. این واقعیتیست که تاکنون نیز انتخابات در رژیم جمهوری اسلامی فرمایشی و به اصطلاح نمایندگان دست چین ومورد اعتماد حکومت بودند، اما رژیم تلاش می‌کرد با رقابت جناح‌های درونی خود، آن را در ظاهر امر انتخاباتی مبتنی بر رقابت جلوه دهد. اکنون نه فقط نمی‌تواند این توجیه ظاهری را ارائه دهد، بلکه ارگان های رسمی آن نظیر وزارت کشور با نظر سنجی‌های خود از هم‌اکنون اعلام نموده اند که تنها ۱۲ درصد از مردم در به اصطلاح انتخابات مجلس هفتم رژیم شرکت خواهند کرد. این بدان معناست که خود رژیم، پیشاپیش تعطیل و انحلال مجلس ارتجاع را اعلام کرده است. تحولات جاری، تضادهای میان جناح های حکومت را در ابعادی کم سابقه

صفحه ۶

بازداشت سیمون ترینیدا، انقلابی کلمبیایی در اکوادور!

ریکاردو پالمرا، ۵۳ ساله و با اسم مستعار سیمون ترینیدا، روز جمعه ۱۲ دی ۱۳۸۲ (۲ ژانویه ۲۰۰۴) در یک مرکز گردشگری شهر کیوتو، پایتخت اکوادور دستگیر شد. وی تنها بود و کارت شناسایی نداشت. او را روز بعد به بوگوتا، پایتخت کلمبیا مسترد کردند. وقتی پالمرا را در مرز اکوادور سوار یک هلی کوپتر نظامی می کردند تا به کلمبیا ببرند، وی فریاد می زد: "زنده باد نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا، زنده باد سیمون بولیوار." ریکاردو پالمرا حتا دستبند به دست در برابر دوربین ها دستش را بالا برد و یک ۷ را به معنی پیروزی نشان داد و سپس به خبرنگاران گفت: "دستگیری من ضربه ای به نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا نمی زند. مبارزه ادامه خواهد داشت." این نخستین باریست که یکی از رهبران بلند پایه نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک) دستگیر می‌شود. بر اساس خبری که تارنمای lcn.canoe.com منتشر کرده است، ماموران "سیا" آمریکادرجستجوی و بازداشت پالمرا نقش داشتند. وزیر جنگ کلمبیا به رسانه ها گفت که نقش آمریکا در دستگیری پالمرا "بسیار مهم" بوده است. یک حکم جلب بین المللی پالمرا را به اتهام تروریسم، گروگان گیری، تجارت مواد مخدر و شورش تهدیدی کرد.

بازداشت پالمرا و استرداد فوری وی از اکوادور به کلمبیا این نکته را به اذهان آورده است که "عملیات کندور" کماکان به قوت خود باقیست و فعال می‌باشد. بر اساس کندور، که به پیشنهاد ژنرال آمریکایی بوگارت در سال ۱۹۶۰ طرح شد، تمام سرویس های اطلاعاتی ودستگاه های پلیس سیاسی آمریکای جنوبی به یک دیگر متصل شده تا علیه کمونیسم مبارزه کنند. امروز پالمرا رادر اکوادور دستگیر می کنند و به کلمبیا می‌فرستند همان طور که در اوایل آوریل ۱۹۷۵، بیست و پنج کمونیست اوروگوئه ای را در آرژانتین دستگیر و شکنجه کردند. گفته شده بود که کندور با فروپاشی بلوک شرق برچیده شد، اما ماجرای دستگیری و استرداد پالمرا می تواند نشانگر آن باشد که این طرح کماکان به قوت خود باقیست. طرحی که از دهه ۶۰ تا ۹۰ میلادی ۵۰ هزار قربانی، ۳۵ هزار مفقوالاثر و ۴۰۰ هزار زندانی سیاسی عمدتاً کمونیست و چپ گرفت. البته دستگیری واسترداد پالمرا تنها دلیل فعان بودن طرح کندور نیست

صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید
I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian - minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 422 feb 2004

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی